



محمد تقی صرفی پور



نهی قرآن کریم از استفاده از اموال باطل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا
أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ.^۱

ای مؤمنین! نباید اموال دیگران را از روی ناحق تصرف
کرده و استفاده نکنید. بلکه باید معاملاتتان بر مبنای
معاملات اسلامی باشد.

مسئله نان حلال در آوردن از مسایل مهم زندگی هر
سرپرست خانواده ای است. و عده زیادی از مردم در
این مورد راه انحرافی رفته و از راههای خلاف پول در
می آورند لذا سعادت مند نمی گردند.

امام صادق علیه السلام به مصادف فرمود: ای مصادف! نان حلال در آوردن از شمشیر زدن در راه خدا سخت تر است.^۲

ضررهای اموال آلوده

وقتی پول کثیف وارد بازار شود: بازار آلوده می باشد -
اعتماد در معاملات از بین می رود. - دو طبقه پولدار و فقیر
بوجود می آید. - آبروها از بین می رود - زندان ها پر
می شود - خانواده ها از هم می پاشد - پرونده های قضائی
بیشتر می شود - زلزله و قحطی و خشکسالی پدید
می آید. که در احادیث است که اگر بازار کم فروشی
کنند خشکسالی می شود.

امام کاظم (ع) به صفوان شتردار فرمود شما همه
کارهای خوب است جز یک کار. چرا شترهایت را به

^۲ جوانان و گناهان کبیره .

دستگاه حکومت اجاره داده‌ای؟ زیرا دوست داری تا
ستمارانی که شترهایت را کرایه کرده‌اند آنقدر زنده
بمانند تا پول تورا پرداخت کنند و کسی که بقاء
ستمکار را بخواهد جزو آنان است!^۳

و پولی که از بابت اجاره شترهایش از ستمکاران
می‌گیرد اشکال شرعی دارد.

آقا رسول الله (ص) فرمود: هرگاه شخصی یک لقمه
حرام بخورد و جزء بدنش شود تمام ملائکه آسمان
وزمین لعنتش می‌کنند.^۴

و فرمود: هر که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب نمازش
قبول نمی‌شود و تا چهل روز دعایش مستجاب
نمی‌گردد.^۵

^۳ وسائل باب تجارت باب 71 ص 548

^۴ سفینه البحار 1/245

^۵ همان

شخصی به رسول خدا (ص) عرض کرد می‌خواهم
 دعایم مستجاب شود چه کنم؟ فرمود غدایت را حلال
 و پاکیزه کن و حرام به شکم خودت داخل ننما!^۶
 و خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود به
 ستمکاران بنی اسرائیل بگو درحالی که مال حرام در
 تصرف شماست مرا صدا نزنید که اگر مرا بخوانید من
 شما را لعنت می‌کنم.^۷
 آقا امام حسین علیه السلام به لشکر عمر سعد
 فرمود: شکمهایتان از حرام پر شده است!^۸
 مصادیق اموال باطل

رباخواری - رشوه خواری - غصب اموال - ارث خواری -
 کم فروشی - گرانفروشی - احتکار - غش در معامله -
 قاچاق - خودفروشی - کودکان فروشی - فروش آلات
 موسیقی و قمار و سی دی مستهجن و ماهواره و غیره -

^۶ گناهان کبیره 405

^۷ همان

^۸ همان

فروش سلاح به دشمن-فروش کتابهای گمراه کننده
عقیدتی یا اخلاقی-درآمد از راه رمالی و ساحری
وفالگیری و دعانویسی و کهنات و غیره

معاملات انسان و درآمد انسان باید از راه حلال باشد تا
زندگی انسان از گرفتاری‌ها و اثرات زیانبار درآمد حرام
مصون بماند .

در رساله امام(ره) مسئله 2055 آمده است:

در چند مورد معامله باطل است: اول: خرید و فروش
عین نجس، مثل بول و غایط و مسکرات، بنابر اقوی در
بعضی و بنابر احتیاط واجب در بعضی . دوم: خرید و
فروش مال غصبی، مگر آنکه صاحبش معامله را اجازه
کند . سوم: خرید و فروش چیزهایی که مال نیست .
چهارم: معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد،
مثل آلات قمار و موسیقی . پنجم: معامله‌ای که در آن

ربا باشد . و حرام است غش در معامله، یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است در

صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است، و این عمل را غش می گویند . از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمودند: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید، و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند سبحان برکت روزی او را می برد و راه معاش او را می بندد و او را به خودش واگذار می کند .

در روایتی امام صادق (ع) فرمود: یکی از مصادیق اکل مال به باطل، این است که انسان قرض کرده و با اینکه

در مهلت مقرر می تواند بدهی خود را بدهد ولی
نمی دهد و در راه مصارف خود صرف می کند.^۹

مؤمنین و مؤمنات اگر بخواهند به سعادت برسند باید از
خوردن هر گونه غذای حرام، خودداری کنند. نباید
بخاطر غذای عالی، آلوده به حرام بشوند. زیرا شکم انسان
به گونه ای است که هز غذایی به او دادی اعتراض
نمی کند. نان و سبزی بدهی اعتراض نمی کند غذای عالی
دادی باز اعتراضی ندارد. لذا علمای ما در مورد خوردن
ساده زیست بودند و سخت گیری نمی کردند

زهد و بی رغبتی امام به دنیا

یکی از یاران امام امت می گوید: در نجف اشرف
روزهای اول برای تهیه غذا، یکی دوبار از امام پرسیدم
که «ناهار چه می خورید؟» و یا «شام چه میل می کنید؟»

^۹ میزان الحکمه - بحار الانوار 100/144

و امام هم چیزی می گفتند . ظاهرا بار سوم بود که امام با قاطعیت همیشگی فرمودند :

از این به بعد دیگر راجع به غذا و شام و ناهار از من چیزی نپرسید و هرچه خواستید درست کنید . من هم مانند شما هرچه بود می خورم!

و عملا نیز تا مدتی که من در خدمت ایشان بودم این شیوه را در زندگی داشتند و معمولا درمورد غذا و کم و کیف آن اظهار نظر نمی کردند . اگرچه در مورد نظافت و جهات بهداشت آن حساسیت خاصی داشتند^{۱۰}.

در حالات سید قزوینی گفته اند : هرگز در خانه خود از خانواده و اولاد و خدمتکاران چیزی نمی خواست . مانند

پا به پای آفتاب : ج 2 ، ص 173 ، از زبان رسولی

¹⁰ محلاتی .

غذا در هنگام نهار و چای و غیره . و اگر خانواده او مواظب غذا و احتیاجات او نبودند ، او هرگز درخواست نمی کرد و اگر خانواده اش فراموش می کردند که چیزی به او بدهند شب و روز می گذشت و او چیزی نمی گفت
۱۱ .

علمای این چنین بودند ما هم باید تلاش کنیم به نوع غذا اهمیت ندهیم تا اینکه برای غذای خوب دچار آلودگی شویم.

همچنین باید اقتصاد ما سالم باشد تا مردم آلوده به مال حرام نشوند.

اقتصاد آلوده مثل رواج رشوه خواری، رانت خواری، پولشویی، تقلب، کلاهبرداری، اختلاس و غیره باعث ظلم به عده ای از مردم شده و عدالت اجتماعی را بخطر

¹¹ قصص العلماء تنکابنی

می‌اندازد . لذا در آیه شریفه مذکور مسلمانان را از این
آلودگیها برحذر می‌دارد .

تأثیرات امور معنوی در سلامتی

یقیناً غذا در روحيات انسان اثر مثبت و منفی می‌گذارد .
اگر از غذای پاکیزه و حلال و طیب استفاده شود اثر
مثبت و اگر از غذای نجس و آلوده و حرام استفاده
شود، اثر منفی بر معنویات انسان می‌گذارد . همچنین
روزه گرفتن، با طهارت غذا خوردن، ذکر الهی بر زبان
جاری نمودن، به فقرا کمک کردن در سلامتی انسان
نقش‌های کلیدی بازی می‌نمایند .

به داستانی در این زمینه توجه فرمائید:

غذای نجس

«مرحوم آخوند ملاعلی معصومی همدانی به خانه یکی
از محترمین جهت صرف غذا دعوت شد . سر سفره

میزبان متوجه شد که مرحوم آخوند از خورش موجود در سفره نمی خورد . از آنجا که مرد پارسایی بود متوجه می شود که احتمالاً اشکالی شرعی در تهیه این خورش است . ابتدا از خانواده خود سؤال می کند و می بیند که اشکال از این ناحیه نیست . سپس سراغ قصاب می رود، قصاب می گوید که این گوشت را از شخصی خریده است و خود ذبح ننموده است . به ناچار سراغ فروشنده گوشت به قصاب می رود و مسئله را از او می پرسد . او ابتدا وجود هر گونه شبهه های را انکار می کند

اما وقتی با اصرار مواجه می شود می گوید ما گوسفند چاقی داشتیم که آن را در صحرا به جایی بسته بودیم . بعد از چند ساعت که سراغ او رفتیم دیدیم که حیوان از بس جست و خیز کرده طناب به گلایش پیچیده شده و او را خفه کرده است . چون متحمل ضرر زیادی

می شدیم تصمیم گرفتیم که سر او را بریده و به قصاب
بفروشیم .

میزبان وقتی ماجرا را می شنود خدمت مرحوم آخوند
رسیده و از ایشان می پرسد: آقا شما چطور شد که از
خورش نخوردید؟

مرحوم آخوند می فرماید: من دیدم که در ظرف خورش
نجاست وجود دارد. ^{۱۲}

رباخواری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ
وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا
تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ ^{۱۳}

^{۱۲} همچو سلمان، ص ۹۶.

^{۱۳} بقره ایه ۲۷۹

ای مؤمنین! از خدا بترسید و اگر مؤمنید رباخواری را رها کنید. و اگر رها نکنید به جنگ با خدا و رسولش آماده شوید. و اگر توبه کنید اصل مال حلال است. نه ظلم کنید و نه به ظلم راضی شوید.

یکی از گناهان بزرگ، رباخواری است که آنقدر زشت است که خداوند در آیه مذکور از آن به جنگ با خدا تعبیر کرده است.

و در آیه 125 آل عمران می فرماید: یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربا اضعافا مضاعفه واتقوا الله لعلکم تفلحون واتقوا النار التي اعدت للكافرين.

ای مؤمنین! ربا مخورید، چیزی که داده اید چند برابر مستانید و زیاده نطلبید و از مخالفت با خدا بترسید شاید رستگار شوید و از آتشی که برای کفار آماده شده پرهیز کنید.

و در جای دیگر می‌فرماید: یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَیربِّی
الصدقات وَاللَّهِ لَا یَحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ اِثْمِ^{۱۴}

خداوند مال ربائی را بی برکت می‌کند ولی صدقات را
چند برابر می‌نماید و خداوند کافر گنه کار را دوست
ندارد.

آنقدر ربا بد است که در بعضی روایات معادل 70 بار
زنا با محارم است^{۱۵}

و پیامبر خدا لعنت کرده خورنده ربا و خوراننده
و خریدار و فروشنده و نویسنده و دوشاهد ربا را.^{۱۵}
به امام صادق (ع) گفتند شخصی مدعی است که ربا
مانند شیر مادر حلال است! حضرت فرمود اگر خدا بمن
قدرت بدهد گردنش را می‌زنم!^{۱۶}

¹⁴ بقره 277

¹⁵ وسائل، کتاب تجارت باب ربا باب 4 ص 598

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرگاه در بین
امّت‌م ده خصلت ظاهر شود، خداوند سبحان آنها را به ده
چیز کیفر می‌دهد!

سؤال شد: آنها کدامند یا رسول الله!

فرمود: هنگامی که کم دعا کنند، بلا نازل شود، هنگامی
که صدقات را ترک کنند، بیماریها زیاد شود، هنگامی
که زکات ندهند، حیوانات بمیرند، هنگامی که حاکم
ظلم کند، باران قطع شود، هنگامی که زنا زیاد شود،
سکته هم زیاد شود، هنگامی که رباخواران زیاد شوند،
زلزله هم زیاد شود، هنگامی که خلاف حکم الهی،
حکم کنند، خداوند دشمنانشان را مسلط کند، هنگامی
که عهد و پیمان را نقض کنند، خداوند آنها را به قتل

مبتلا سازد، هنگامی که وزنها و ترازوها را کم بگیرند،
خداوند سبحان آنها را به قحطی مبتلا سازد.^{۱۷}

اگر معصیت در پنهانی انجام شود، فقط ضررش به
صاحبش می‌رسد و اگر در آشکارا انجام شود و کسی با او
مخالفت ننماید، به همه مردم ضرر می‌رسد.

چند مسئله در باره ربا از رساله امام امت (رض)

2283 اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که
زیادتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، مثلاً یک من گندم
بدهد و شرط کند که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده
تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد ربا و حرام است بلکه
اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد
یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس
دهد مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با

یک کبریت پس دهد ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می گیرد به طور مخصوص پس دهد مثلاً مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد باز هم ربا و حرام می باشد ولی اگر بدون این که شرط کند خود بدهکار زیاده تر از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است.

2284 ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرف نماید.

2285 اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند حاصلی که از آن به دست می آید مال قرض گیرنده است.

2286 اگر لباسی را بخرد و بعد از پولی که بابت ربا گرفته یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب

لباس بدهد چنانچه موقع خریداری قصدش بوده که از این پول بدهد پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست و نیز اگر پول ربایی با حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می باشد.

چند نکته مهم:

1- می توان بجای رباخواری، مضاربه نمود. یعنی پول را به فردی بدهد تا با آن کار کند و هرچقدر سود کرد در سود شریک باشد.

2- سودی که بانکها در ایران می دهند اگر طبق قراردادهای شرعی باشد حلال است. ولی اینکه غیر از بانک، گاهی افرادی می گویند پولتان را به ما بدهید ما

بیشتر سود می دهیم. این ربا و حرام است. زیرا براساس قراردادهای شرعی نمی باشد.

3- ربا بین زن و شوهر و ربا بین پدر و فرزندان و ربا گرفتن از کافر، اشکال ندارد.

شرابخواری

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا»¹⁸

از تو در مورد شراب و قمار می پرسند بگو که گناه بزرگی در استفاده از این دو است اگرچه منافع هم دارد ولی بدی آن از نفعش بیشتر است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ
وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾^{١٩}

ای مؤمنین! شراب و قمار و چوبهای قمار و امثال آن پلید
و جزو کارهای شیطانی است لذا از آنها دوری کنید
شاید رستگار شوید.

شراب مایعی است مست کننده که نه تنها دردین اسلام
بلکه در همه ادیان و بلکه از دید همه اطباء مضر
و ضرر آور تشخیص داده شده است.

بزرگترین ضرر شراب مختل کردن عقل آدمی
است. عقلی که شرافت انسان و برتری او بر سایر
موجودات وابسته به آن است.

یکی از دانشمندان گفته است که حتی مصرف کم
الکل می تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب
شود. و وقتی انسان از نوشیدن مقدار کمی الکل، احساس
لذت و شادمانی می کند نمی داند که به نابودی سلولهای
مغزی خود کمک کرده است.

آثار زیانبار شراب در جوامع مختلف قابل انکار نیست. به
بعضی از این آثار اشاره می شود:

شراب را می توان ریشه بسیاری از مفاسد غرب دانست
که بحمدالله در کشور ما بخاطر رعایت مسائل
مذهبی، شرابخواری در حد بسیار ضعیف و اندکی است.

اما در تاریخ می توان به مواردی اشاره کرد که
شرابخواری باعث

نابودی و جنایات و قتل شده است. وقتی هارون، خلیفه
عباسی، خواهرش عباسه را به عقد جعفر برمکی وزیر

مقتدر خود در آورد اورا از هر گونه تماس جنسی منع نمود و جعفر هم اطاعت کرد ولی عباسه نتوانست برهوس خود غلبه کند و ترتیبی داد تا جعفر با نوشیدن شراب مست شود. آنگاه با او عمل جنسی انجام داد. وقتی بعد از مدتها خبر به هارون رسید، دستور کشتن جعفر برمکی و کندن ریشه برامکه در دستگاه خلافت خود را صادر نمود. و به این ترتیب ریشه برمکی ها از قدرت و خلافت کنده شد.

و یا وقتی مغولها به ایران حمله کردند، پادشاه ایران جلال الدین خوارزمشاه بدلیل مستی نتوانست تصمیم درستی برای دفاع از کشور

بگیرد لذا کشور ایران به اشغال مغولها درآمد و تمدن اسلامی دچار آفت مخربی گردید.

در زمان امیرکبیر که می رفت کشور ما از تاریکی و گمراهی بدرآید و از عقب ماندگی نجات

یابد، بدخواهان حکم قتل امیر کبیر را از ناصرالدین شاه
در حال مستی گرفتند و اجرا نمودند. و باعث شدند که
امید نجات ایران برباد رود.

در تاریخ ذکر شده که افرادی بوده اند که بر اثر مستی با
محارم خود مثل خواهر خود زنا کرده اند.

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی	آراسته با شکل مهیبی سر و بر را
گفتا که منم مرگ و اگر خواهی زنهار	باید بگزینی تو یکی زین سه خطر را
یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار	یا بشکنی از خواهر خود، سینه و سر را
لرزید از این بیم جوان بر خود و جادشت	کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را
یا خود ز می ناب کشی یک دو سه ساغر	تا آنکه بپوشم ز هلاک تو نظر را
گفتا پدر و خواهر من هر دو عزیزند	هر گز نکنم ترکِ ادب این دونفر را
لکن چوبه می دفع شر از خویش توان کرد	می نوشم و باوی بکنم چاره شر را
جامی دو بنوشید و چو شد خیره ز مستی	هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را
ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند	زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را

«ایرج میرزا»

دانشمندان تنها آثار زیانبار شرابخواری را گریبانگیر
شرابخوار نمی‌دانند بلکه به نسلهای بعدی هم این آثار
سرایت می‌کند.

دبیر کل سازمان بین المللی مبارزه با الکل گفت که
هشتاد درصد دیوانگان و چهل درصد بیماران آمیزشی
در نتیجه اعتیاد به الکل بوده است. و دکتري در آلمان
گفته است که درب میکده هارا ببندید تا من درب نیمی
از بیمارستانها و دیوانه خانه هارا ببندم.

می‌چنانت کند به نادانی	که بز ماده را پری خوانی
مست نادم شود به هشیاری	توزمستان طمع چه می‌داری؟

جایگاه شرابخوار در روایت:

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب بخورد روح ایمان
از او خارج می‌گردد.^{۲۰}

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ عَلَى لِسَانِي فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خُطِبَ وَلَا
يُشَفَّعَ إِذَا شَفَعَ وَلَا يُصَدَّقَ إِذَا حَدَّثَ وَلَا يُؤْتَمَنَ عَلَى
أَمَانَةٍ^{۲۱}

پیامبر خدا (ص) فرمود: بعد از اینکه خداوند شراب را
حرام کرد، اگر کسی شراب بخورد نباید به او زن
بدهید. شفاعتش را قبول نکنید. سخنش را تصدیق
نکنید. او را امین در امانتهای خود قرار ندهید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يُؤْتَى شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُدْلَعًا لِسَانُهُ يَسِيلُ لُعَابُهُ عَلَى صَدْرِهِ^{۲۲}

امام باقر علیه السلام فرمود: روز قیامت شارب خمر با
صورتی سیاه و درحالی که زبانش بیرون افتاده و آب
دهانش بر سینه اش سرازیر است محشور می گردد.

²¹ الکافی ج : 6 ص : 396

²² الکافی ج : 6 ص : 396

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُعَادُ إِذَا مَرِضَ وَلَا
يُشْهَدُ لَهُ جَنَازَةٌ وَلَا تُزَكَّوْهُ إِذَا شَهِدَ^{۲۳}

پیامبر خدا (ص) فرمود: اگر شرابخوار مریض شد به
عیادتش نروید. اگر مرد در تشییعش حاضر
نشوید. شهادتش را قبول نکنید.

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْخَمْرَ وَعَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَ
بَائِعَهَا وَمُشْتَرِيَهَا وَسَاقِيَهَا وَآكِلَ ثَمَنِهَا وَشَارِبَهَا وَحَامِلَهَا
وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ^{۲۴}

پیامبر اسلام (ص) در رابطه با نوشیدن شراب، ده دسته را
لعن فرمود: کسیکه درخت آن را می‌نشاند، آنکه درخت
را آبیاری می‌کند، کسیکه آب آنرا می‌گیرد و شراب
می‌سازد، کسیکه شراب را می‌نوشد، ساقی شراب

^{۲۳} الکافی ج: ۶ ص: ۳۹۶

^{۲۴} الکافی ج: ۶ ص: ۳۹۸

، آورنده شراب، کسیکه شراب بسویش آورده می شود،
خریدار شراب، مصرف کننده پول شراب و کسانی که
در خوردن و فشردن انگور شراب و فروختن و خریدن
و حمل آن دست دارند و کسی که از پول فروش آن
استفاده می کند، همه در گناه شریکند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ شَرِبَ النَّبِيذَ عَلَى أَنَّهُ
حَلَالٌ خُلِدَ فِي النَّارِ وَمَنْ شَرِبَهُ عَلَى أَنَّهُ حَرَامٌ عَذَّبَ فِي
النَّارِ^{۲۵}

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب را به عنوان اینکه
حلال است بخورد در جهنم ابدی می ماند و هر که به
عنوان اینکه حرام است بخورد در جهنم عذاب می شود.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): يَا يُوسُفَ بْنَ ظَبْيَانَ أْبَلِغْ عَطِيَّةَ عَنِّي
أَنَّهُ مَنْ شَرِبَ جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ لَعَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَلَائِكَتُهُ

وَرُسُلُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ فَإِنْ شَرِبَهَا حَتَّى يَسْكَرَ مِنْهَا نُزِعَ رُوحُ
الْإِيمَانِ مِنْ جَسَدِهِ...^{۲۶}

امام صادق (ع) فرمود: هر که یک جرعه شراب بنوشد
خداوند عز و جل وملائکه و پیامبران و مؤمنین همه لعنش
کنند و اگر آنقدر بخورد که مست کند روح ایمان از
بدنش خارج می گردد.

همچنین امام صادق (ع) فرمود: شرابخواران، تشنه
می میرند و تشنه محشور می شوند و تشنه وارد جهنم
می شوند.^{۲۷}

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ
وَلَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ
الْمُسْكِرَ وَلَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ^{۲۸}

²⁶الکافی ج : 6 ص : 399

²⁷الکافی ج : 6 ص : 400

پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که نمازش را سبک
بشمارد شفاعتم به او نمی‌رسد و در حوض کوثر بر من
وارد نمی‌شود. به خدا قسم! شفاعتم به شرابخوار
نمی‌رسد و بر من در کنار حوض کوثر وارد نمی‌شود
والله.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا
أَنْجَبَسَتْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ
مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ^{۲۹}

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب بخورد نمازش تا
چهل روز بالا نمی‌رود و اگر در این چهل روز بمیرد، با
جاهلیت مرده است. ولی اگر توبه کند، خداوند توبه‌اش
را قبول می‌نماید.

²⁸ الکافی ج : 6 ص : 400

²⁹ الکافی ج : 6 ص : 400

امام صادق (ع) فرمود: کسیکه عمرش را در شرابخواری فنا کند مانند بت پرستان است و کسی که از ترس خدا از شرابخواری دست بردارد خداوند او را بهشت برده و از شراب بهشتی سیراب نماید.^{۳۰}

عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ ابْتَدَأَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كُلُّهُ حَرَامٌ فَقَالَ نَعَمْ الْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ^{۳۱}

فضیل بن یسار می گوید روزی امام صادق (ع) بدون مقدمه به من فرمود: رسول خدا (ص) فرمود هر مست کننده‌ای (شرابی) حرام است. پرسیدم همه جورش یا هر مقدارش حرام است؟ فرمود حتی یک جرعه ان هم حرام است.

³⁰ الکافی ج : 6 ص : 404

³¹ الکافی ج : 6 ص : 411

«وقتی متوکل دستور داد امام هادی (ع) را به مجلس شراب او بیاورند و به امام ابتدا اصرار بر خوردن شراب نمود و چون امتناع امام را دید تکلیف بر شعر گفتن نمود، امام اشعاری را خواندند که وضع مجلس را عوض کرد و اشک به چشمان نحس متوکل آمد و دستور داد امام را با احترام برگردانند. ابیات امام بشرح زیر است:

غلب الرجال فلم تنفعهم القلل	باتوا على قلل الاجبال تحرسهم
واسكنوا حُفراً يا بُنْس ما تُزَلُّوا	واستزلوا بعد عزٍ من معاقلهم
این الاساور والتيجان والحلل	ناداهم صارخٌ من بعد دفنهم
من دونها تضرب الاستار والكُلل	این الوجوه اللتي كانت منعمه
تلك الوجوه عليها الدود تنتقل	فافصح القبر عنهم حين سائلهم
واصبحوا اليوم من بعد الاكل قد اُكلوا ^{۳۲}	قد طال ما اكلوا دهدأ و قد شربوا

«ستمگران در قله های برفراز کوه با نگهبانانی نیرومند بسر می بردند. ولی با آمدن مرک این کوه ها سودی برای آنان نداشت.

بعد از عزتی که داشتند باغ مردنشان، به سوراخهایی
افتادند چه بد فرود آمدنی بود؟

وقتی آنها را داخل قبر گذاشتند، صدائی آمد که
:کجاست آن تخت ها و تاج ها و لباسها؟

کجا هستند آن صورتهایی که غرق در نعمت
بودند. و همیشه زیر پرده ها و پشه بندها قرار داشتند؟

ناگاه قبر با زبان فصیح از طرف این مرده ها جواب
داد: کرمها بر این صورتها می غلطند!

یک عمر طولانی خوردند و آشامیدند. حالا خودشان
توسط کرمها خورده می شوند.»

ملاقات دبیر کل با آیه الله بروجردی

نقل می کنند که دبیر کل بین المللی مبارزه با الکحل با آیه
الله العظمی بروجردی ملاقات کرد و علت حرمت

شراب در اسلام را از ایشان پرسید. آقا فرمودند زیرا
شرافت انسان به عقلش است و شراب عقل را تعطیل
می کند و مختل می نماید.

دیرکل خیلی از این جمله خوشش آمد و گفت من با
رؤسای مذاهب زیادی ملاقات کرده و این سوال را
کرده ام ولی هیچکدام این چنین کامل به من جواب
نداده اند.^{۳۳}

نقل شده که یک دکتر در آلمان به مسئولین کشورش
گفته بود شما شراب فروشی ها را تعطیل کنید تا من
نصف تیمارستان ها را ببندم!
ملعون است کسی که...

³³داستانهایی از زندگی علماء

در روایت است که آقا رسول الله فرمود ملعون است
کسی که سر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب باشد.^{۳۴}

و در سخن دیگری فرمود کسی که به خدا و قیامت
ایمان دارد نباید سر سفره‌ای که در آن شراب نوشیده
می‌شود بنشیند.^{۳۵}

بعضی از افراد شراب را برای معالجه می‌خورند در حالی
که آقا امام صادق (ع) فرمود خداوند شفای هیچ
مرضی را در شراب قرار نداده است.^{۳۶}

^{۳۴} وسائل الشیعه

^{۳۵} مسالک شهید ثانی باب اطعمه و اشربه

^{۳۶} فروع کافی کتاب الاشریه باب من اضطر الی خمر

عدم پرداخت خمس

«وَاَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ
آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ
الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» 41. ۳۷

یعنی بدانید که از هر چه گیرتان آمد باید یک پنجم را
برای خدا و پیامبر و سادات و یتیمها و مساکین و در راه
مادانه قرار دهید اگر به خدا و قرآن و روز قیامت ایمان
دارید که خدا بر هر چیزی قادر است.

«اصل وجوب خمس فی الجملة از ضروریات اسلام
است و منکر آن کافر است و خلاصه این که خمس
یکی از فرائض الهی است که در قرآن مجید و روایات
مستفیضه به آن امر تأکید شده و محل اتفاق همه شیعه

امامیه بلکه عموم مسلمین است اگرچه در بعضی خصوصیات آن از حیث مورد و مصرف، اختلاف وجود دارد و چنانچه کسی از پرداخت یک درهم یا کمتر امتناع کند در زمره ظالمین به پیامبر اکرم (ص) و ذریه آن حضرت می باشد و از غاصبین حق آنها محسوب می شود. بلکه هر کس خمس را حلال بداند از کافرین است و در هر صورت تا انکار شخص نسبت به اصل خمس محرز نشود نمی توان حکم به کفر او کرد.^{۳۸}

افرادی که خمس بر آنها واجب می شود اگر نپردازند نمی توانند در اموال خود تصرف کنند و اگر با پول خمس نداده مواد غذایی بخرند و بخورند بعنوان حرام خواری محسوب می شود.

مراد از زکات که در آیات زیادی از قرآن آمده هم زکات اصطلاحی و هم خمس است. زیرا مراد از کات

^{۳۸} جامع المسائل آیه الله فاضل ج ۲ ص ۱۷۶

پاک کردن مال از حقوق مالی می باشد چه حقوق مالی
زکات باشد و چه خمس باشد.

امام زمان (عج): لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر
کسی است که از مال ما درهم حرامی بخورد.^{۳۹}

امام زمان (عج): کسی که مالش زیاد باشد و حق آن
را ادا نکند بدرستی که مالش در روز قیامت مارهایی
خواهند بود که او را نیش می زنند.^{۴۰}

امام باقر (ع): برای هیچ کس روا نیست چیزی از
خمس را خریداری کند تا حق ما به ما برسد.^{۴۱}

بحار ج 53 ص 184

39

⁴⁰بحار ج 96 ص 29

⁴¹وسایل ج 6 ص 338

در حدیث دیگر می‌خوانیم: از سختترین شرائطی که مردم در قیامت دارند وضعیّت تارکان خمس است.
(وسائل، ج 9، ص 545).

امام رضا علیه السلام فرمود: «ان الخمس عوننا... فلا تزووه عَنَّا ولا تحرّموا انفسکم دعاءنا ما قدرتم علیه»
(وافی، ج 10، ص 334). خمس کمک به ماست آن را از ما دور نکنید تا از دعای ما محروم نشوید.

گوارا بودن درآمد: در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هر کس خمس ما را بدهد باقی درآمدش برای او گواراست. «یودّی خمسنا و یطیب له»

-ضمانت بهشت: شخصی نزد امام باقر علیه السلام آمد و خمس مال خود را پرداخت، امام فرمود: بر من و پدرم لازم است که بهشت را برای شما ضمانت کنیم. «ضمنت لک علی و علی ابی الجَنَّة»//////در حدیث داریم که اگر می‌خواهید دعایتان مستجاب بشود لقمه خودتان را حلال کنید؛ هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود لقمه

حلال بخورد. لقمه حلال لقمه ای است که خمسش داده شده باشد، زکاتش داده شده باشد.

امام خمینی در تحریر الوسیله می فرماید: **هر کس درهمی از خمس را نپردازد جزء ستمگران بر اهل بیت و کسانی که حق آن بزرگواران را غصب کرده اند می شود.** (تحریر الوسیله، ج 1، ص 334).

ایه الله فاضل لنکرانی:

«اصل وجوب خمس فی الجملة از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر است و خلاصه این که خمس یکی از فرائض الهی است که در قرآن مجید و روایات مستفیضه به آن امر تأکید شده و محل اتفاق همه شیعه امامیه بلکه عموم مسلمین است اگرچه در بعضی خصوصیات آن از حیث مورد و مصرف، اختلاف وجود دارد و چنانچه کسی از پرداخت یک درهم یا کمتر امتناع کند در زمره ظالمین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ذریه آن حضرت می باشد و از غاصبین حق آنها محسوب می شود. بلکه هر کس خمس را حلال بداند از کافرین است و در هر صورت تا انکار شخص نسبت به اصل خمس محرز

نشود نمی‌توان حکم به کفر او کرد. (جامع المسائل آیه
الله فاضل، ج 2، ص 176).

اگر خمس ندهیم چند برابرش ضرر می‌کنیم
. امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مالی در خشکی و
دریا تلف نمیشود مگر بخاطر ندادن زکات. یعنی خمس
و زکات.

. در روایت است: «مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْاِخْتِيَارِ اخْتِيَارًا صَرَفَ
الله مَالَهُ فِي الْاِشْرَارِ اضطرارا»؛

یعنی اگر کسی با اختیار خودش پولش را به مؤمنین و
خوبان ندهد، خداوند کاری می‌کند که مالش را اجباراً در
اختیار افراد فاسد قرار دهد.

حاج آقا قرائتی گفتند: شخصی بود که هنگام خمس
دادن بچه‌هایش را هم همراه خود آورد و به بچه‌هایش
گفت من هر سال می‌آیم درآمد را حساب می‌کنم و
بیست درصد آن را به این آقا که جانشین امام زمان علیه
السلام است می‌دهم، شما اگر فرزندان من هستید باید
وقتی بزرگ شدید همین کار را بکنید.

موارد خمس

مهریه زن و هدیه و ارث خمس ندارد و سرمایه و زمین کشاورزی و وسیله نقلیه‌ای که منبع درآمد است و مغازه و پولی که بر آن یکسال گذشته و... خمس دارد.

خمس بر شش قسمت می‌شود که سه قسمت آن در زمان غیبت کبری به مجتهد مرجع تقلید داده می‌شود و سه قسمت هم سهم سادات فقیر است که اکثر مراجع اجازه نمی‌دهند خود شخص به سید فقیر بدهد و باید با هماهنگی مرجع تقلید باشد و بعضی مثل آیه الله سیستانی اجازه داده‌اند که سهم سادات را خود شخص خمس دهنده به سید فقیر بدهد .

اگر انسان با مالی که خمس به آن تعلق گرفته شده لباس بخرد نماز در آن اشکال دارد و همچنین اگر فرش

یا خانه و ... بخرد تصرف در آنها تا حلال کردن مال
اشکال دارد .

2- موارد مبتلا به خمس:

(ارث-هدیه-سرمایه-درآمد مصرف شده-درآمد پس
انداز شده-وام مصرف شده-وام پس انداز شده-قرض و
طلب-مهریه-دیه-صدقات-حقوق بازنشستگی-حق
پیامه-اذوقه باقی مانده-مال حلال مخلوط به حرام-موونه-
صورموونه

منزل و اثاث و ماشین شخصی اگر چندسال گذشته و
احتمال وجود خمس در آن است بصورت یک چهارم یک
پنجم یعنی یک بیستم مصالحه شود
(ایه الله مکارم:خمس منزل مسکونی و اسباب واثاثیه
منزل، و وسیله سواری (اگر دارید) را با شما مصالحه
کردیم. بقیه اموال و دارایی خود را محاسبه، بدهی های
مربوط به آن را کسر کرده، خمس باقیمانده را یک جا یا
به تدریج ارسال فرمایید.

عدم پرداخت زکات

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا
وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^{۴۲} «60»

یعنی زکات برای فقرا، مساکین، کارگران جمع آوری
زکات، مخارج هدایت کافران، آزاد کردن غلامان، ادای
قرض قرضداران و در راه خدا است و واجب بوده و
خداوند آگاه و حکیم می باشد.

افرادی که زکات بر آنها واجب می شود اگر نپردازند
نمی توانند در اموال خود تصرف کنند و اگر با پول

زکات نداده مواد غذایی بخرند و بخورند بعنوان حرام
خواری محسوب می شود.

زکات سهمی از درآمد کسانی است که گندم و جو
و انگور و خرما و گوسفند و شتر و گاو و طلا و نقره با
شرایطی که در رساله ها نوشته شده داشته باشند .

پرداخت زکات از نظر خداوند، یکی از علامتهای
دینداری و شرط ضروری ایمان شمرده شده است.

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»¹ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ
خَاشِعُونَ»² وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»³ وَالَّذِينَ
هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ»⁴»^{۴۳}

یعنی حقیقتاً مؤمنین رستگار شدند آنانکه در نماز
خاشع، از لغو دور و اهل زکات دادن هستند.

ندادن زکات نشانه شرک است:

«و ويلٌ للمشرکين. الذين لا يؤتون الزکات و هم بالآخره
هم کافرون»^{۴۴}

یعنی وای بر مشرکین که زکات نمی دهند و قیامت را
قبول ندارند.

پرداخت زکات باعث جلب رحمت الهی است:

«وَأَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ»^{۴۵} «56»

نماز گذاشته و زکات داده و از پیامبر اطاعت کنید
شاید خدا بشما رحم نماید.

^{۴۴}فصلت 6-7

نور 56

دادن زکات یکی از وظایف حاکمان مؤمن است:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا
الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ
الْأُمُورِ» (41) «^{۴۶}

یعنی آنان که اگر به آنها حکومت بدهیم نماز اقامه
کرده و زکات داده و امر بمعروف و نهی از منکر
می نمایند. و عاقبت همه امور به خدا بر می گردد.

زکات در شریعت همه پیامبران الهی بوده است:

«وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ
وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا» (54) «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (55) «^{۴۷}

⁴⁶ حج 41-40

⁴⁷ مریم 55-54

یاد کن در کتاب از اسماعیل که به وعده‌اش عمل می‌کرد و پیامبر و رسول بود و خانواده‌اش را به نماز و زکات امر می‌نمود و خدا از او راضی بود.

« وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ » (72) وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ « (73) »^{۴۸}

یعنی به ابراهیم، عطا کردیم اسحاق و یعقوب را و همه را صالح قرار دادیم و پیوایان از طرف خود کردیم و به آنها وحی نمودیم که کارهای خیر و نماز و زکات انجام دهند و آنها ما را عبادت می‌کنند.

زکات یکی از راههای امتحان مؤمنین است:

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (28) ^{۴۹}

یعنی مال و فرزندان اسباب آزمایش هستند و در نزد خدا پاداش عظیمی است.

خداوند زکات و حقوق مالی الهی را پاک کردن
نامیده است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» ^{۵۰}

با گرفتن صدقات آنها را پاک و تصفیه نما.

⁴⁹تغابن 15

⁵⁰توبه 102

روایات

رسول خدا(ص) فرمود ندا کنند که ای مسلمین! زکات اموالتان را بدهید تا نمازتان قبول شود.^{۵۱}

امام باقر(ع):خدا در قرآن زکات را با نماز آورده پس هر که نماز بخواند ولی زکات ندهد مثل این است که نماز نخوانده است.^{۵۲}

امام صادق(ع):قسم به خدائی که مخلوقات را خلق کرد و به آنها رزق داد هیچ مالی در خشکی و در دریا از بین نمی رود مگر بواسطه ندادن زکات.^{۵۳}

موارد زکات

^{۵۱} وسائل ج ۴ ص ۳

^{۵۲} وسائل ج ۴ ص ۳

^{۵۳} وسائل ج ۴ ص ۳

چنانچه «گندم، جو، خرما، انگور» به مقدار تقریبی 870 کیلو گرم برداشت کند باید در آنجایی که از آب باران ورودخانه استفاده کرده یک دهم و در آنجا که از آب چاه استفاده نموده، یک بیستم را زکات بدهد.

و چنانچه «گوسفند، گاو، شتر» دارد و دوازده ماه از علف صحرا استفاده می کنند وقتی به حد نصاب رسیدند باید زکات آنها را بدهد.

و چنانچه «طلا، نقره» دارد اگر به حد نصاب رسید باید زکات آن را که در بیست مثقال طلا تقریباً نیم مثقال می شود را بدهد.

مصارف زکات

زکات را می توان در هشت مورد مصرف نمود
و نیازی به اجازه از مجتهد نیست: 1- فقیر 2- مسکین 3-
کارگزاران جمع آوری زکات 4- برای مسلمان کردن

کفار 5- قرضداران 6- برای آزاد کردن غلام 7- در راه
ماندگان 8- در راه خیر مثل مسجد و بیمارستان و روضه
خوانی و کتابخانه و ازدواج و غیره

«ثعلبه مردی فقیر بود. او از پیامبر خواست که دعا کند تا
ثروتمند شود! پیامبر به او هشدار داد که ثروت برای تو
خطرناک است. اما ثعلبه اصرار کرد و پیامبر برایش دعا
نمود. طولی نکشید که ثعلبه ثروتمند شد و جزء دامداران
گردید. کم کم از نظر جا برای دامهای او در مدینه
مشکل پیدا شد لذا از پیامبر اجازه گرفت تا به خارج از
مدینه برود.

او در خارج از مدینه به زیاد کردن ثروت خود مشغول
بود. وقتی پیامبر (ص) نماینده ای نزد او فرستاد تا زکات
گوسفندان او را بگیرد، ثعلبه امتناع کرد و گفت: چرا
پیامبر (ص) سراغ افراد دیگر نمی رود و سراغ من
فرستاده است؟

نماینده پیامبر بادست خالی برگشت. ناگاه آیه ای در باره
 این امتناع ثعلبه و افرادی مانند او نازل شد.. که تقریباً از
 ارتداد ثعلبه خبر می داد. وقتی این خبر به ثعلبه
 رسید، گوسفندان خود را برداشت و به مدینه آمد
 و خدمت پیامبر رفت و گفت: زکات آورده ام! پیامبر
 فرمود: من نمی توانم از تو زکات قبول کنم! ثعلبه با
 شنیدن این مطلب شروع به عجز و لابه کرد ولی حضرت
 زکات او را قبول ننمود. بعد از رحلت پیامبر، ثعلبه سراغ
 ابوبکر رفت و گفت: من زکات آورده ام. ابوبکر
 گفت: چون پیامبر زکات تو را قبول نکرد، من هم نمی
 توانم قبول نمایم. ثعلبه بعد از مدتی با حسرت دادن
 زکات از دنیا رفت! ^{۵۴}

خوردن مال یتیم

^{۵۴} تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۷۷ توبه

یکی از گناهان بزرگ، خوردن مال یتیم است. که در
چند جای قرآن از جمله در سوره فجر به این گناه اشاره
کرده است

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»^{۵۵} «10»

آنان که از روی ناحق و ستم، مال یتیمها را می‌خورند در
حقیقت آتش جهنم را می‌خورند و بزودی وارد آتش
می‌شوند.

در جای دیگر می‌فرماید: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا
تَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْطَّيِّبِ وَلَا تَاْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ
إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»^{۵۶} «2»

^{۵۵} نساء ۱۰

^{۵۶} نساء ۲

مال ایتام را به آنها بدهید و مال نادرست را با مال درست مخلوط ننمائید و اموال آنها را با اموال خود نخورید که گناهی بزرگ است.

و در جای دیگر فرموده است: ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن^{۵۷}

به مال یتیم نزدیک شوید مگر برای کاری که به صلاح یتیم باشد.

در روایت هم نقل شده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَوْعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَالِ الْيَتِيمِ بِعُقُوبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا عُقُوبَةُ الْآخِرَةِ النَّارُ وَ أَمَّا عُقُوبَةُ الدُّنْيَا فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ

ذُرِّيَّةٌ ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمُ الْآيَةَ يَعْنِي لِيَخْشَ أَنْ أَخْلِفَهُ فِي
ذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَنَعَ بِهِوَاءُ لَاءِ الْيَتَامَى^{۵۸}

امام صادق (ع) فرمود: خداوند در باره خورندگان مال یتیم، دو مجازات را وعده کرده است یکی در قیامت است که آتش جهنم می باشد. دیگری در دنیا. اما مجازات دنیوی در آیه شریفه آمده که اینهایی که مال یتیم خور هستند از این بترسند که بعد از خودشان همین بلا سر یتیمهای خودشان بیاید و افرادی مال آنها را بخورند!

آقا رسول الله (ص) فرمود: در معراج گروهی را دیدم که آتش وارد شکمشان می شد و از پشتشان در

می‌آمد! از جبرئیل پرسیدم اینان چه کسانی هستند؟ فرمود
اینها در دنیا مال یتیم را بناحق می‌خوردند.^{۵۹}

مراد از مال یتیم خوری یعنی مردی فوت کرده و چندتا
بچه باقی گذاشته است که اموالی از طریق ارث به آنها
رسیده است. حالا دایی یا عمو یا مادر بچه‌ها یا فرد
دیگری با دوز و کلک قسمتی یا همه اموال یتیم‌ها را
تصرف می‌کند. خداوند در قرآن به این فرد وعده عذاب
در دناک داده است.

مسئله مال یتیم آنقدر مهم است که نباید به خانه‌ای که
یتیم در آن سهم دارد رفت زیرا تصرف در مال یتیم
حساب می‌شود مگر اینکه رفتن به منزلی که یتیم در آن
سهم دارد یا نشستن سر سفره‌ای که با مال یتیم تهیه شده
برای یتیم سودی دارد یا به مصلحت اوست و تشخیص
مصلحت را هم به عهده خود فرد متصرف گذاشته‌اند

که خودش تشخیص دهد من غذای این یتیم را دارم
 می‌خورم آیا فایده‌ای برای یتیم دارد؟ مثلاً در لرستان
 رسم است که وقتی در مجلس ترحیم شخصی حاضر
 می‌شوند و ناهار یا شام می‌خورند پُرسانه می‌دهند یعنی
 مبلغی پول نقد کمک می‌کنند اگر این جور باشد که
 خرجی که از مال یتیم می‌شود جبران شود غذا خوردن
 اشکال ندارد ولی اگر به ضرر مادی یتیم باشد یا هیچ
 فایده‌ای در این غذا دادن نباشد نباید انسان به منزل ایتام
 برود.

دزدی

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً
 مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» 38»^{۶۰}

دست زن دزد و مرد دزد را بعنوان نتیجه اعمالشان
و مجازات الهی بفرید و خداوند قدرتمند و حکیم است.

از جمله گناهان کبیره که به شکم هم مربوط می شود
دزدی اموال مردم یا دولت می باشد.

آقا رسول الله فرمود که دزد در هنگام دزدی ایمان
ندارد.^{۶۱}

و امام صادق (ع) فرمود: هر کس از مال مسلمان چیزی
را که نگاهداشته بدزدد دزد نامیده می شود. و نزد خدا
سارق است.^{۶۲}

فردی که دزدی می کند از الطاف الهی محروم می شود
زیرا تجاوز به اموال مردم باعث غضب الهی
می گردد. لذا اولیاء خدا و بزرگان و خوبان هیچگاه به این

⁶¹ وسائل الشیعه

⁶² تهذیب

گناهان، آلوده نمی شدند و پاک زندگی می کردند
و حاضر بودند از گرسنگی سنگ بر شکم بیندند ولی به
اموال دیگران دست درازی ننمایند.

اگر فردی مدتی دزدی کرده یا در نوجوانی دزدی
کرده و حالا پشیمان است و می خواهد توبه کند باید
حلالیت بطلبد یا آن اموال را پس بدهد. و لازم نیست
مسئله دزدی را مطرح کند و بلکه غیر مستقیم آن اموال
را برگرداند از از صاحبش رضایت بگیرد.

دزدی انواع مختلفی دارد از جمله به کسی که وارد منزل
مردم می شود و اموال آنها را می برد دزد می گویند تا
کسی که کارمند بانک است و با جعل اسناد مبالغی را
برای خود بر می دارد تا کسانی که زمینهای دولت را
می فروشند. همچنین کسی که مهریه زنش را نمی دهد
دزد است و کسی که قرض کرده و با اینکه دارد پس
نمی دهد دزد است. کسی که از پشت کنتور برق و آب

لوله وسیم کشیده و مصرف می کند از یک جهت برق
دزدی و آب دزدی می کند. کسی که پول صندوق
کمیده امداد را برمی دارد دزد است و...

تجارت آلوده

بازاریانی که کم فروشی یا گرانفروشی یا تقلب یا
احتکار و خیانت در وزن و پیمانه و امثال آن می کنند و
پولهای بدست آمده را خرج شکم خود و خانواده شان
می کنند نیز جزو حرام خوران هستند.

خداوند سوره ای را در مذمت کم فروشان بنام مطففین
،نازل کرده است. و روایات فراوانی در مورد گناهان
فروشندگان متخلف وجود دارد از جمله:

آقا رسول الله (ص) فرمود: کسیکه در معامله با مسلمانان
خیانت کند از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور

می شود و خداوند برکت را از روزیش برمی دارد و معیشتش را خراب کرده بخودش وامی گذارد.^{۶۳}

در یک روایت امام صادق (ع) فرمود که از جمله اموال حرام، اجرت زنهای بدکار و پولی که از فروش شراب و سگ و مردار بدست آورده و رشوه که قاضی می گیرد تا بنفع رشوه دهنده حکم دهد و مزد کاهنان و ساحران همه اینها مال حرام هستند.^{۶۴} در مورد رشوه چند روایت نقل کنم.

آقا رسول الله (ص) فرمود: خدا رشوه دهنده و رشوه گیرنده و دلال رشوه را لعنت کند.^{۶۵}

^{۶۳} مکاسب محرمة

^{۶۴} وسائل، کتاب تجارت باب 32

^{۶۵} سفینه البحار 52/1

و فرمود: از رشوه بپرهیزید که حقیقت آن کفر است و صاحب رشوه بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.^{۶۶} در حدیث نبوی آمده که از نشانه‌های نزدیکی قیامت این است که رشوه را به عنوان هدیه حلال خواهند ساخت!^{۶۷}

خوردن مردار و گوشت حیوانات ذبح نشده و حرام گوشت

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنَازِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ»^{۶۸}

^{۶۶} سفینه البحار 1/523

^{۶۷} گناهان کبیره شهید دستغیب 403

^{۶۸} مائده 4

حرام است خوردن مردار و خون و گوشت خوگ
و هر چه موقع کشتنش نام خدا برده نشده و حیوانی که
خفه شده یا با سنگ کشته شده یا از بلندی در چاه افتاده
باشد یا بوسیله شاخ زدن حیوان دیگر مرده باشد یا
درنده‌ای آن را پاره کرده یا از آن خورده باستانی آن
حیوانی که ذبح شرعی شده یا روی سنگهای مخصوص
ذبح شده و حرام است تقسیم تیرقمار. اینها همه فسق
حساب می‌شود.

در اسلام خوردن گوشت حیوانات گوشتخوار حرام
و خوردن گوشت اکثر حیوانات علفخوار همانند
گوسفند و گاو شتر، آهو و بز کوهی حلال است. از
پرندگان هم همه انواع مرغ و گنشگ و کبوتر حلال
است.

در کتاب امالی و کافی روایتی است که امام صادق (ع)
فرمود علت حرمت گوشت مردار آنست بدن را ضعیف

و جسم را لاغر و نیرو را سست و نسل را قطع کرده باعث مرگ ناگهانی می شود.

در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) روایت شده که خوردن خون باعث مرض کلب (عطش شدید و شبیه به جنون) و قساوت قلب و کم شدن مهربانی و ترحم می شود و کسی که خون می خورد از کشتن والدین یا خویشاوندان و دوستان باکی ندارد.

در فرهنگ لاروس آمده که کشورهایی که مردمش گوشت خوک مصرف می کنند اغلب دچار بیماری لادرری (کرم تنیا و کرم کدو) می شوند ولی در کشورهای اسلامی از این بیماری خبری نیست.

غیر از مواردی که ذکر شد دهها نوع دیگر حرامخواری در بین افراد وجود دارد از جمله درآمدهایی که از راههای زیر بدست می آید:

1- فالگیری و رمالی

2- فروش کتابها و محصولات ضد فرهنگی مستهجن و
مخالف دین و فاسد کننده اخلاق

3- کمک به خلاف مثل دلالی در کارهای خلاف
همانند کمک به فروش لوازم سرقتی و غیره

4- فروش مواد مخدر و قاچاق

5- فروش اسناد جعلی دولتی

6- خوانندگی حرام

7- فعالیت در هر کاری که خلاف قانون یا شرع است
که درآمدهای

حاصله بعنوان پول کثیف نامیده شده و استفاده از آن
حرام است.

چند داستان از مال حرام

باطن آلوده قهوه

مرحوم آخوند ملاعلی همدانی قدس سره فرمودند:
مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی رسم و عادتش این
بود که بعد از بحث و درس آقایان طلاب، یک فنجان
قهوه میل می کردند.

یک روز که برای تدریس تشریف آورده بودند
فرمودند: امروز بعد از مباحثه، مجلس ترحیمی هست
که باید برویم. قهوه در آنجا صرف می شود.
آقایان برای درست کردن قهوه زحمت نکشند.
مباحثه تمام شده بود. آن عالم ربانی با جمعی از طلاب
برای شرکت در مجلس ترحیم حرکت کردند. وقتی
که ایشان وارد شدند برایشان قهوه آوردند. معظم له
اشاره کردند که قهوه را ببرند.

شاگردان ایشان – که مراقب اعمال استاد بودند- اطلاع داشتند که ملاحسینقلی خودشان فرموده بودند درمجلس ترحیم، قهوه صرف می شود، در صدد بر می آیند تا موضوع را بررسی نمایند.

اول از صاحب مجلس سوال می کنند پولی را که خرج این مجلس صرف کرده است خمسش را داده یا نه. معلوم می شود از طرف پول ایرادی نبوده است. بعداً روشن می شود کسی که متصدی درست کردن قهوه بوده، در هنگام درست کردن قهوه یک قطره خون از دماغش میان قهوه افتاده است و برای این که مبادا صاحب مجلس به او بگوید به ما ضرر زدی به صاحبخانه اطلاع نداده است.

غذای حرام

در یکی از شبها طلاب و سایر مردم علامه درچه ای را در حالتی غیر عادی مشاهده کردند . هر چه اصرار کردند که کار یا کمکی بکنند ایشان قبول نمی کرد . کم کم اطرافیان نگران شده و از فرزند ایشان می خواهند که ماجرا را پیگیری کند .

ایشان هم فردای آن شب از پدر می پرسد :
« پدر! قضیه دیشب و بیماری شما چه بوده که همه طلاب را نگران و پریشان کرده است؟ »
علامه درحالی که عصبانی به نظر می رسید، با لحنی تند و غضب آلود گفت: « دیشب می خواستند مرا به جهنم بفرستند. دیشب می خواستند مرا بیچاره کنند. می خواستند همه هستی ام را به باد دهند. می خواستند نابودم کنند. »

علامه چنان خشم آلود و با صدای بلند سخن می گفت که هر چه فرزند می خواست سؤال کند: « چه کسی؟ کدام افراد؟ » اما آقا اصلاً مهلت نمی داد.

سرانجام گفت: « فعلاً مطالعه دارم و باید به درس بعد بروم.» یعنی: «فعلاً بس است و وقت ندارم، این زمان بگذار تا وقت دیگر.»

یکی دو روز که از ماجرا گذشت و سیدابوالعلی (فرزند ایشان) از کم و کیف ماجرا آگاه شد، برای طلاب چنین شرح داد:

فلان بازرگان متمول اصفهان، ماهها و بلکه بیش از یک سال مرتب به مسجد آقا می آمد و اظهار ارادت می کرد و مرتب به دست بوسی آقا نائل می شد - که شاید هم بدون نظر و از روی حقیقت بوده است؛ والله اعلم - او در طول این ایام، مرتب از آقا دعوت و تقاضا می کرد که: « شبی را لطف بفرمایید و منزل ما را برای چند دقیقه ای نورانی و مزین کنید.»

آقا از شدت اصرار و التماس او و وساطت چند نفر از علماء شرعی نمی دانست که برای همیشه جواب رد دهد.

فقط می گفت: «باشد تا وقت مناسب.»

از قضا، شبی آقا به او وعده داد و طبق قرار هم به منزل آن بازرگان رفت؛ اما به محض ورود و نشستن، سفره شام را گسترده دیده، گفت: «قرار نبود که شام در منزل شما باشم و من عجله دارم و می خواهم برای مطالعه هرچه زودتر بروم.»

اما بازرگان از فرصت استفاده کرد و سریع شام را حاضر کرد.

آقا هم طبق معمول همه شب ها مختصری شام میل فرمود. اما پس از صرف شام و مختصری صحبت های متفرقه و گفت و شنود و چند سؤال شرعی، بازرگان قباله ای را جلوی آقا گذاشت و گفت: «آقا، هر چند که زحمت می شود، ولی عنایت بفرمایید و این قباله را امضاء و ممهور به مهر مبارک کنید.»

آقا وقتی قباله را خواهند، دید که در آن، مطلب خلاف شرع نوشته شده و به فتوای آقا حرام بوده است. آن مرد

با دادن آن شام می خواست از وجود آقا و امضاء و مهر او سوء استفاده کند.

این مطلب برای آقا کاملاً روشن شد و ایشان دیگر حاضر نشد که حتی یک لحظه تأمل کند. پس فریاد زد: «چرا مرا دعوت کردید؟ چرا زقوم به گلوی من ریختید؟ چرا میخواهید مرا به جهنم بفرستید؟ چرا؟ چرا؟...»

مرحوم علامه در طول زندگی اش، از اوان طلبگی در اصفهان تا دوران تحصیل و تدریس در نجف و سپس در حدود چهل سال تدریس و حتی در زمان مرجعیت، چندین بار مشابه همین اتفاق برایش پیش آمد؛ اما او بلافاصله و پس از آگاهی از احتمال حرام بودن آن، به هر شکل غذا را برگردانده و نگذاشته بود که جوف بدنش شود و آثار منفی غذای حرام، در روح و جسم او اثر بگذارد. تقریباً همه آن اتفاقها یک نکته را می

رسانند و آن این است که علامه نمی خواست غذای
حرام به بدنش وارد شود.

بخاطر لقمه حرام از دیدار امام زمان محروم شد!

در دامغان در میان سادات محترم شاه چراغی، یک نفر
عارف و ارسته به نام سید طاهر شاه چراغی بود، که هم
واعظ و هم شاعر بوده و به عشق و شیدایی نسبت به امام
عصر(عج) شهرت داشت. او چهل بار امام زمان (عج) را
در عالم خواب زیارت کرده بود، و این مطلب را در
اشعار زیبای خود بیان نموده بود. ولی یک وقتی رابطه او
با امام عصر(عج) به گونه ای قطع شد که با این که هر
پنج‌شنبه روز یک بار آن حضرت را در عالم خواب دیدار
می کرد، یک سال گذشت و به سعادت دیدار
نرسید. بسیار ناراحت شده و فریاد جانکاهش از فراق آن
حضرت، بلند بود، همواره از عمق جان می سوخت که
چرا از او سلب توفیق شده، از ته دل گریه ها و ناله ها

کرد تا اینکه پس از یک سال فراق، در عالم خواب به
سعادت زیارت آن بزرگوار نایل گردید، عرض کرد: آقا
جان! من که سوختم، و نزدیک است از فراق جان
بسپارم، چه شد که ناگهان از من بریدی، و با من قطع
رابطه کردی؟ رازش چیست؟ قربانت گردم! امام(ع) در
پاسخ او به این مضمون فرمود: «ای سید طاهر! چرا به هر
منزلی می روی؟ چرا از هر غذایی می خوری؟ تو به خانه
کسی رفتی که غذایش مشکل داشت و حرام بود، از آن
خوردی، نتیجه اش جدایی من از تو شد، سرانجام تا
یک سال پاک سازی کردی و آب از دست رفته را به
جوی خود باز گرداندی و در نتیجه به مقصود رسیدی!

چرا ایه الله حائری از انگور نخورد؟

مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله حاج شیخ
عبدالکریم حائری (متوفی 1355 هـ.ق) از علمای ربّانی
تشیع، و در تهذیب نفس و صفای باطن، بسیار ممتاز

بود، روزی با چند نفر به دعوت صاحب باغی وارد آن
باغ شد، او در میان میوه ها علاقه خاصی به انگور
داشت، وقتی که وارد باغ شد و خوشه های انگور را
دید، احساس علاقه بیشتر کرد، با همراهان در جایگاه
باغ نشستند و مقداری انگور طلبید، ظرفی پر از انگور
آوردند و کنار او نهادند. ولی او از آن انگور نخورد،
حاضران تعجب کردند، و عرض کردند: چرا نمی
خوری؟ او فرمود: «میل ندارم» عرض کردند: چرا؟ شما
که خیلی به انگور علاقمند بودی. فرمود: آری میل
داشتم، ولی اکنون میل ندارم حاضران با اصرار
پرسیدند: راز این دگرگونی چیست؟ آیت الله حائری در
این هنگام پس از پرس و جو از زمین و آب و شیوه
صاحب باغ و... دریافت که همه اش از راه حلال
است. ولی نمی دانست که راز عدم میلش به انگور
چیست؟ ناگاه باغبان آمد و گفت: «من دیدم انگورهای
این باغ هنوز شیرین نشده، بلکه ترش و شیرین است،

ناچار به باغ همسایه رفتم از باغ او انگور شیرین چیدم و
آوردم، به این نیت که بعداً از او اجازه بگیرم.» به این
ترتیب معماً حل شد، و فهمیدند که آیت الله حائری بر
اثر توفیقات الهی به مرحله ای از بصیرت و معنویت
رسیده که خداوند او را از خوردن مال حرام یا شبهه
ناک مصون داشته است.

از غذا بوی تعفن می آید!

نظیر ماجرای فوق، در مورد استاد محمد تقی جعفری
(متوفای 1377 ش) رخ داد، اواخر عمر ایشان را برای
درمان به نروژ بردند، در آنجا یکی از دوستان فرزندش
دکتر غلامرضا جعفری، استاد را برای شام به خانه خود
دعوت کرد، استاد با همراهان به خانه او رفتند، هنگام
غذا، استاد گفت بوی تعفن می آید، هر چه اصرار
کردند از غذا نخورد، سرانجام از آنجا خارج شدند،
صبح روز بعد دکتر غلامرضا جعفری با دوستش تماس

گرفت و معذرت خواهی کرد. دوستش گفت: خوشحالم
از این که استاد جعفری از آن غذا نخورد، زیرا من هر
چه تلاش کردم مرغ ذبح شده اسلامی پیدا نکردم به
ناچار از مرغ های معمولی استفاده کردم، ولی بسیار
ناراحت بودم که مرغ نجس به استاد می دهم. ولی
اکنون خوشحالم که استاد از آن نخورد!

مقایسه غذای امام خمینی با پاپ!

ناهار امام یک غذای ایرانی به اسم آبگوشت بود و این
همان غذایی بود که در آن روز ظهر، دیگران هم از آن
استفاده می کردند. آیت الله خمینی بر سر سفره ای
که به غیر از ایشان همسر، پسر، عروس و نوه هایشان
بودند، نشسته و بعد از به زبان آوردن نام خدا مقدار
کمی غذا خوردند. مدت ناهار خوردن ایشان دقیقاً هفت
دقیقه و چهل ثانیه بود و بعد بلافاصله به اتاق کارشان
رفتند. من دو سال پیش یک بار موفق شدم ناهار

خوردن «پاپ» را هم به چشم ببینم. مجموعه غذاهایی
که برای ایشان تدارک دیده بودند، بر روی میزی به
طول دوازده متر و به عرض دو و نیم متر چیده شده بود.
هیچ نوع غذای ایتالیایی نبود که بر روی این میز نباشد و
آن وقت حضرت پاپ بر سر این میز به تنهایی ناهار
خود را میل - کردند. مدت ناهار خوردن ایشان یک
ساعت و پنجاه دقیقه بود و بعد باقی غذای ایشان، آن
طور که من فهمیدم، به کلی معدوم می شد!